

چشم انداز هنر معاصر تاریک نیست

جواد مجابی

چندتن از نقاشان معاصر آثار خود را در تالار قنبریز عرضه کرده‌اند:

خانم پروانه اعتمادی و آقایان روئین پاکباز، علیرضا اسپهبد، سگارتیک درهاکوییان، نازفر، واحد خاکدان، بهرام عالیوندی، علی اکبر صفائیان و مهدی حسینی.

در این نمایشگاه برخلاف بیشتر نمایشگاه‌های دسته جمعی این تالار، توجهی آنهمه پراکنده‌گی در شیوه کار و دیدگاه‌های هنری هنرمندان شرکت کننده مشکل مینمود، چرا که بیش از این در این تالار معمولاً یک تجربه هماهنگ راچند نقاش با آثار خود عرضه میکردند. از این نقیصه کسه بگذریم میتوان به چند اثر خوب در این نمایشگاه پرداخت.

نخست باید به آثار « پروانه اعتمادی» اشاره کنم که برغم جوانیش، پویایی و پختگی و یقین در آثار او بیچشم میخورد. طراحی و پرصلابت، مشخص و قاطع است، تردید نمی‌کند، خطش را با اطمینان بروی بوم میکشد، ترکیب

های استوار و زیبایی را که در ذهن دارد با یقین به زیبایی و کمال آنها، بر پرده می‌آورد، رنگ گذارشی با همین شہامت توأم است و «طبیعت بیجان» هائی

که ساخته چنان شکل گرفته و خلقی مجدد یافته‌اند که جاندارتر از آن کمتر می‌توان یافت. «روئین پاکباز» نقاش جستجوگر که ذهنی منطقی و دستی چالاک دارد این بار پس از آنهمه شکل‌های تجربیدی ساده به یک مساله جالب پرداخته است:

بازیهای دست بشر با آنچه بشر ساخته است. در این بازی متقابل یک شیئی مرده و یک جسم زنده، ترکیب هائی نوئی پدید آمده که به شیوه‌ی «منوتایپ» چاپ شده است یا کباز بر خورداز از پشتوانه سالها تجربه و مطالعه اکنون با آرامشی ظاهری به تصویر و سوسه‌های اضطراب آمیز ذهن بشر پرداخته است.

من کار مهدی حسینی را دوست ندارم که نوعی «رسم فنی» رنگی است و برای یکساعت کار فنی از خریدار پنج هزار تومان پول طلب میکند. البته بیشتر نقاشان این نمایشگاه قیمت‌های گران بر تابلوهای خود نهاده‌اندغمی نیست، گو خریدار؟ کارهای علیرضا اسپهبد تصویر کردن فضا‌های شعری است با رنگ‌های ساده. آثار او را میتوان زیر عنوان «هنر معصوم» آورد. آدم‌های سر بهوا و کلاغها، مردان بی چهره و بی نقاب آثار اسپهبد گرچه از مضمونی غنائی و اجرایی پاکیزه برخوردار است اما بنظر میرسد که اندازه‌های تابلو ۴×۴ متر بسرای موضوع آدم و درخت‌ها یا کلاغها بسیار بزرگ است آن محتوا، قالب

کوچکتری می‌خواهد تا به خلاء دچار نشود.

میراث خوار عصر سلجوقی
تابلوهای سیمانی درهاکوییان بالعب درخشانی مرا به خاطره‌های دور و دراز میکشاند به گنجیری‌های عصر سلجوقی و نقش سفالینه‌های عصر مغول، سگارتیک آنها را به شیوه‌ی ماهرانه‌ی بازسازی کرده است.

اما این شیوه کار را آیا او بنیاد نهاده یا آن مضامین را او اندیشیده؟ میتوان این کمبودها را بخاطر زیبایی و سلامت کارش بر او بخشید.

دوآئی نه چندان تازه صفائیان و یک آئی از عالیوندی در این مجموعه شیوه کار این دو نقاش را مشخص نمیکند. این مردود نقاش از پویندگان بر توان هنر معاصرند و تنوع کارهایشان در این نمایشگاه انچنان که باید برای یک تماشاگر محسوب نخواهد بود.

کار واحد خاکدان سزلزه‌یی در ارکان یک ترکیب پوسیده - خوشایند بود. کار متوازی بود گرچه باید منتظر کارهای دیگر این نقاش که پیش از این از او کاری ندیده‌ایم بمانیم.

اشقیاء در برابر اولیاء

این یادداشت با ذکر خبری از آثار نازفر پایان میکیرد. نازفر بااللقاط چند رشته کار مینیاتور، نقاشیهای چاپ سنگی و نقاشیهای مذهبی به شیوه‌ی ترکیبی دست یافته که آثارش را از همسالانش ممتاز می‌کند. او مضامین مذهبی چون معراج، نبرد اشقیاء و اولیاء، شبانان و رزمه‌های خلق ماهی و مرغ و جن و انس را بیاری می‌طلبد تا از آن حماسه‌های امروزی بسازد. گرچه هنوز بیشتر قسه برداز افسانه‌های خوش و شاید خوش-بادرانه است اما با طنزی که در کار او میتوان دید، در کار این عکاسی افسانه‌های دیروزی، میتوان امیدوار بود که در آینده جزو شما هم چهره خود را در «عجائب المخلوقات» نازفر ببینیم.

صفحه ۳۰ - (طراحی و ت)

گردش و رونق‌دهای هنری

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ - شماره ۱۴۷۰